



روح الله حبیبیان

### اشاره:

داستان «بیب» معروف را ظاهراً همه مخاطبان صدا و سیمای کشور به خوبی می‌دانند. در واقع هرگاه هنگام دیدن یک فیلم مستند یا گزارش یک دادگاه احیاناً سیاسی یا اختلاسی یا یک اظهار نظر جنجالی و اموری از این دست به جای شنیدن کلمه یا کلماتی از گوینده صدای «بیب» یا همان سوت کوتاه شنیده شود، بیننده آگاه و حتی نیمه آگاه!! درمی‌یابد که در این قسمت چیزی گفته شده که نباید در رسانه ملی و از جانب توده بینندگان شنیده شود و تنها همان لب‌خوانی و درک شواهد و قرائن برای کشف مقصود گوینده کافی است.

حال بیابید تصور کنیم اگر به شکلی معجزه‌آسا این اتفاق رخ می‌داد که در زندگی عادی و در گفتگوهای روزمره انسان‌ها هم همین فرآیند «بیب‌آلود»! جریان داشت. یعنی هر کجا انسان‌ها کلمه زشتی را به زبان می‌آوردند بجای شنیدن آن کلمه؛ صدای «بیب» به گوش می‌رسید چه اوضاع «بیب در بیبی» پیدا می‌کردیم!!؟ بخصوص در زندگی و محاورات روزانه برخی افراد که صدای بیب جزء لا ینفک جملات آن‌ها می‌شد تا جایی که می‌شد برخی از این افراد را به نام جدیدی مانند «حشمت بیبی» خواند (روشن است که ما در مقام تبلیغات پوشک جدیدی نیستیم، بلکه منظور همان بیب + ی نسبت است) و این خود از عجایب روزگار است که مرد سبیل‌گنده‌ای تبدیل به «بیبی» شود! در عین حال چاره‌ای هم نیست چون همین حشمت خان در هنگام صحبت با رفیقش می‌گوید «آخه ... (بیب)! مگه نگفتم من باید هجدهم برج این چک (بیب) برو به اون همسایه (بیب) بگو ماشین لندهورش می‌گوید «توله (بیب) برو به اون همسایه (بیب) بگو ماشین لندهورش و خاموش کنه مخ (بیب) م داغون شدا».

البته این غائله بیبیه! منحصر به عصبانیت و ناراحتی نیست و حتی شامل خوشی‌ها هم می‌شود. مثلاً همین حشمت بیبی خودمان وقتی مسابقه فوتبال می‌بیند و بازیکن محبوبش هم گل می‌زند خطاب به او می‌گوید: «ای (بیب)! دمت گرم چه گلی زدی!»

به هر حال همه ما به خوبی با این حقیقت تلخ آشنا هستیم و با کمال تأسف، خوب می‌دانیم که معضل این بی‌عفتی در سخن گفتن منحصر در امثال حشمت‌های فرضی نیست و این غائله در جامعه ما رواج بی‌اندازهای دارد و خود ما هم...!!!!

اما برای درمان این درد عمیق چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد توجه به برخی پیامدها و حواشی فقهی این پدیده زشت، تا حدودی می‌تواند کمک حال ما در رسیدن به عفت کلامی مطلوب و قابل قبول باشد.

این شاء الله



یک فرهنگ معین فحش محسوب شود اما همان لفظ در مورد فرد دیگر و در فرهنگ و منطقه‌ای متفاوت فحش تلقی نشود و از آن زشتی مورد نظر برخوردار نباشد.

اما در هر حال در مسأله بددهانی دو مسأله کاملاً متفاوت وجود دارد؛ یکی نفس بددهان و فحاش بودن است که از نظر اسلام بسیار قبیح است و حتی اگر در این فرآیند حرمت و حیثیت فرد دیگری خدشه‌دار نشود، نفس بر زبان راندن برخی الفاظ زشت و قبیح به خودی خود امری ناپسند و بسیار مذموم است.

مثلاً افرادی هستند که بدون دلیل حتی نسبت به اشیاء و وسایل و ابزار آلات، فحش‌های رکیک نثار می‌کنند! این افراد باید توجه داشته باشند که پیامبر اسلام ۹ فرموده‌اند: «خداوند بهشت را بر هر انسان ناسزاگویی بد زبان بی‌حیا که از هر چه بگوید یا در مورد او بگویند باکی ندارد حرام کرده است.» (تحف‌العقول، ص ۴۵) مسأله دوم در بددهانی آن است که در این ماجرا به فرد یا



افراد دیگری اهانت می‌شود که این مسأله انواع و اقسام احکام فقهی را به دنبال دارد.

### زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد

سخت‌ترین حکم برای افراد فحاش و بی‌پروا، حکم ارتداد و کفر است که در مواردی آنان را مستحق اعدام می‌کند. براساس روایات بسیار زیاد و تصریح بسیاری از مراجع، کسی که نسبت به خدا یا پیامبر ۹ و ائمه : عالمانه و آگاهانه و از روی اختیار فحش و ناسزا بگوید کافر بوده و در حکم مرتد است. یعنی خوشن حلال بوده و اموالش باید بین ورثه‌اش تقسیم شود و همسرش هم بدون طلاق بر او حرام می‌شود.

### از «عفت خانم» تا عفت زن و مرد

عفت جدای از آن که نامی مشهور برای بانوان متولد چند دهه قبل است، عنوان عامی است که در امور مختلفی مانند عفت دامن از انحرافات جنسی، عفت شکم از لقمه‌های حرام، عفت چشم از نگاه‌های حرام و مانند آن به کار می‌رود. اما عفت زبان یا همان عفت کلام یکی از عناوین متداول و مصادیق متعارف رفتار عقیقانه است. البته نباید فراموش کرد که برخورداری از عفت کلام تنها بر زبان نراندن الفاظ رکیک و فحش و ناسزا نیست؛ بلکه عفت کلام واقعی به معنای مراقبت زبان از صدور هرگونه انحراف زبانی یا همان گناهان گوناگون از این عضو کوچک و مهم است. رفتاری ارزشمند و البته بسیار سخت که عالمان اخلاق از آن به «تقوای لسانی» تعبیر می‌کنند و البته برای رسیدن به این مرحله مهم باید تک‌تک گناهان زبان را شناخت و با مطالعه کتب اخلاقی کیفیت مراقبت از زبان را در این عرصه‌ها دریافت. اما به طور خاص عفت کلام به نوع خاصی از سخن گفتن اطلاق می‌شود که در آن از استعمال واژگان سخیف و رکیک و مستهجن پرهیز می‌شود و گوینده در هر حال از بر زبان آوردن الفاظ زشت پرهیز می‌کند. این رفتار به خودی خود یکی از با ارزش‌ترین سجایای اخلاقی است که در هر فرهنگ و دین و آیینی ارزشمند است و البته در دین اخلاقی اسلام جایگاهی بسیار نیکو دارد. اما اسلام با این مسأله به شکل کاملاً اخلاقی برخورد نکرده و برای رسیدن افراد به این درجه از کمال، قوانین و مقررات فقهی و شرعی را هم به کار گرفته تا توده جامعه را به این درجه از کمال اخلاقی بکشاند.

### فحش چیست؟

قبل از ورود در بحث کم و کیف و آثار ناسزاگویی و فحاشی، بد نیست ابتدا ببینیم منظور دقیق از فحش چیست؟ فحش در لغت به امر بسیار زشت اطلاق می‌شود و به همین جهت به رفتارهای بسیار قبیح «فحشا» و به فرد بسیار بدکار «فاحشه» گفته می‌شود. در واقع «فحش» به کار یا لفظی گفته می‌شود که بسیار زشت و قبیح باشد اما در عرف جامعه فحش تنها به همان لفظ زشت و قبیح اطلاق می‌شود. با این تعریف، روشن می‌شود که هر لفظی که در درون خود نوعی زشتی و قباحیت را دارا باشد، فحش خوانده می‌شود و این مسأله هرچند در برخی از الفاظ روشن و بدیهی است، اما نسبت به برخی از الفاظ در فرهنگ‌ها و آداب و رسوم‌های مختلف، قدری متفاوت می‌شود. یعنی ممکن است یک لفظ خاص برای یک فرد در یک منطقه و

بخصوص در نگاه مذهبی کسانی که نسبت به معصومین توهین و ناسزا به کار می‌برند «ناصبی» نامیده می‌شوند که پلیدترین افراد هستند و در روایات نجس‌تر از سگ خوانده شده‌اند.

البته برخی از مراجع تصریح می‌کنند که اگر فرد در حال عصبانیت بیش از حد که اختیار رفتار خود را ندارد یا به طور ناآگاهانه نسبت به محتوا و معنای لفظی که به کار می‌برد چنین تعابیری را به کار ببرد، به خودی خود حکم مرتد را ندارد.

همین‌جا لازم است به یک نکته مهم و «مبتلا به» اشاره کنیم و آن این‌که بسیاری از افراد می‌گویند برای ما زیاد پیش می‌آید که بی‌اختیار و بدون قصد قبلی حتی در حال نماز خواندن، الفاظ زشت و رکیک نسبت به مقدسات به ذهن ما خطور می‌کند و در دل ما می‌گذرد. این افراد از این حالت بسیار ناراحت و معذب‌اند و همواره تلاش می‌کنند بعد از این افکار استغفار کرده و این حالت را از خود دور نمایند، اما در عین حال می‌گویند این حالات و افکار هر از گاهی برای ما ایجاد می‌شود.

در این مورد باید گفت این‌گونه از فحش‌ها و ناسزاهای ناخواسته که در دل خطور می‌کند، یکی از شاخه‌های شایع بیماری وسواس فکری است که برای درمان آن باید به روانشناس و روانپزشک متخصص رجوع کرد، اما از نظر فقهی این قبیل امور موجب ارتداد یا گناه نمی‌شوند، هرچند نشانه یک بیماری و از ردایل اخلاقی هستند که باید هرچه زودتر به فکر درمان آن‌ها باشیم.

### لعنت به دهانی که بی‌موقع باز شود

یکی از خطرات مهمی که بسیاری از افراد جامعه را که دهان‌شان چفت و بست چندانی ندارد تهدید می‌کند، استحقاق حدود شرعی به‌خاطر کلمات و الفاظ بی‌جایی است که بر زبان می‌آورند. از نظر شرعی هر جرم و خطایی که در منابع دینی بر آن مجازات مشخص

تعیین شده باشد «حدّ» نامیده شده و هر جرم و خطایی که تعیین مجازات آن بر عهده حاکم اسلامی قرار داده شده «تعزیر» خوانده می‌شود.

برخی از فحش‌ها و الفاظ نامربوط که انسان بر زبان می‌آورد می‌تواند حد شرعی را بر فرد واجب کند. مانند «حد قذف». در واقع حد قذف که معادل ۸۰ ضربه تازیانه است زمانی ثابت می‌شود که فردی دیگری را متهم به فحشا و رابطه نامشروع کند. مثلاً به فردی بگوید «زناکار» و نتواند آن را ثابت کند. البته در کم و کیف این مسئله جزئیاتی وجود دارد که برای درک آن باید به کتاب‌های فقهی مراجعه کرد، اما گاهی یک کلمه زشت و نادرست در سرها و مکافات بسیار دنیوی و اخروی را برای انسان به دنبال دارد. تا به حال بیش از صدها بار داستان آن لاک‌پشت معروف که در وقت سقوط از آسمان می‌گفت لعنت به دهانی که بی‌موقع باز شود را شنیده‌اید؟!

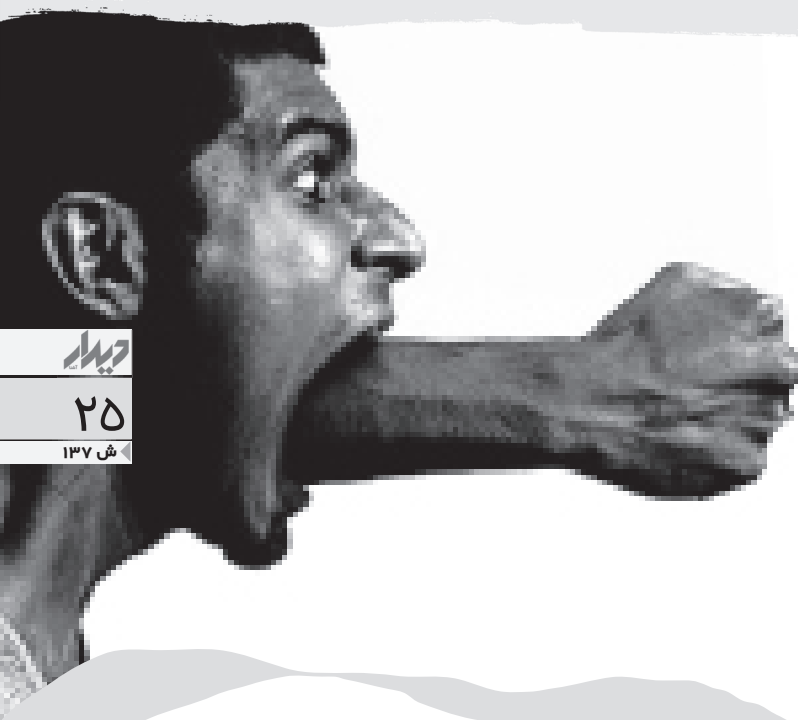
مثلاً همین فحش دادن در حال احرام که یکی از مصادیق «فسوق» است و از محرمات اعمال حج محسوب می‌شود نیز موجب کفاره و مشکلات بسیاری می‌شود.

اما در مورد داستان فحش‌های متعارف و رایج در جامعه که مثل نقل و نبات بر زبان برخی افراد جاری می‌شود، به طور کلی باید دانست که فحش دادن به طور مطلق عملی نادرست است تا جایی که خداوند در قرآن تصریح می‌کنند بت‌ها که خدایان دروغین شرکان بودند را دشنام ندهید. (انعام، ۱۰۸)

اما به طور خاص فحش دادن به مؤمنین از آن‌جاکه حرمت مضاعفی دارد، گناه محسوب شده و در مواردی در فرض اثابت برای حاکم اسلامی، تعزیر را به دنبال دارد. یعنی قاضی در حکومت اسلامی می‌تواند فرد فحاش را محکوم به احکامی مانند تازیانه یا جریمه مالی نماید.

اما سؤال اینجاست که آیا می‌توان در برابر فحش فرد فحاش مقابله به مثل کرد و به او فحش داد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش هر چند همه مراجع نظر قطعی در این خصوص نداده‌اند، اما بنا بر نظر برخی از مراجع چنین حقی وجود ندارد و فردی که مورد ناسزا و شتم قرار گرفته تنها می‌تواند به محاکم





البته باز تأکید می‌کنیم که این حکم جزئیات و جوانب دقیقی دارد و نمی‌توانید هر کسی که جلوی درب منزل شما آشغال ریخت به همراه پدر و مادر و هفت جد و آبائش مشمول لعن و نفرین قرار دهید. حتی برخی از مراجع تصریح کرده‌اند که «نفرین مسلمان جایز نیست؛ حتی اگر حق دیگری را ضایع کرده باشد و بهتر است برای هدایت او دعا شود.»

### حرام حرام است کاکا برادر

اما در هر حال چه لعن دیگر افراد به خودی خود و بر اساس حکم اولیه حرام باشد و چه در مواردی حلال؛ آنچه مسلم است در برخی موارد خاص این عمل بر اساس حکم ثانوی حرام شده و به یقین انجام آن غیر شرعی است. همانند حکم حرمت توهین به مقدسات اهل سنت که توسط مقام معظم رهبری بیان شد.

بر این اساس نمی‌توان به طور علنی و مفسده‌انگیز که موجب از بین رفتن وحدت در جامعه اسلامی شده و موجبات تحریک عواطف دیگر مسلمانان را فراهم می‌آورد چنین کاری را نسبت به برخی از صحابه انجام داد و بهانه‌هایی دینی برای آن تراشید. زیرا حرمت اولیه هم برای ما بر اساس نظر مراجع حاصل می‌شود و در لزوم پرهیز از گناه فرقی بین حرمت اولیه و ثانویه نیست.

بماند که برخی افراد در مجالسی که به عنوان «عیدالزهر» و مانند آن می‌گیرند به غیر از این رفتار نادرست انواع و اقسام گناهان دیگر را نیز انجام می‌دهند و در نهایت گمان می‌کنند که با این گناهان جور واجور و بی‌تقوایی‌ها دل حضرت زهرا ۳ که مظهر عفت کلام و رفتار بود را به دست آورده‌اند.

خداوند همه ما را از انواع انحرافات بخصوص انحرافات زبانی حفظ بفرماید.

قضای شکایت کرده و از آن طریق حق خود را استیفا نماید و فرد فحاش را مجازات کند؛ اما خود نمی‌تواند همان عمل را تکرار نماید.

### لعن و نفرین

اما در کنار مسأله فحش و ناسزا لازم است توضیحاتی هم در خصوص لعن و نفرین بیان شود. نفرین به هر تعبیر و لفظی گفته می‌شود که بر علیه فرد دیگری باشد. یعنی از خدا بدی و شر و ناخوشی را برای او طلب نماید. مانند نفرین‌های مادران که در قدیم بسیار شایع بود مثل: الهی جز جیگر بگیر - الهی زلفت بره تو کفن - خدا به زمین گرم‌تر بزنه و...

البته امروزه لازم است مادران جدید، برای نسل کنونی فرزندان بخصوص پسرهای شیطان، نفرین‌های جدیدی را که جانسوزتر است ابداع کنند! مانند: الهی شارژ موبایلت ته بکشه، الهی هر وقت رفتی تو اینترنت خود بخود disconnect بشی، الهی جلوی مدرسه دخترانه بیفتی تو جوب...

به هر حال نفرین برای خود مصادیقی دارد که یکی از موارد و مصادیق آن لعن کرده است. یعنی گوینده دیگری را مشمول لعنت الهی بداند و در واقع آرزو کند که او از رحمت خدا به دور باشد!

بحث در خصوص لعن و نفرین هم داستان گسترده‌ای دارد، اما آن‌چه مسلم است نمی‌توان گفت که لعن و نفرین به طور مطلق حرام است. زیرا هم در قرآن و هم در روایات لعن نسبت به بسیاری از افراد به کار رفته است. به طور کلی می‌توان گفت لعن و نفرین چون موجب اذیت و آزار مسلمان است جایز نیست. لکن در مواردی که فرد ملعون یا نفرین شده مستحق این امور باشد مثلاً ظلمی در حق دیگران کرده باشد، بنا بر نظر برخی مراجع لعن و نفرین او ایراد ندارد.